

Political Economy of Peace-Oriented Development: a Framework of a New Path for Iran's Economic Development

Saeed Attar*

Abstract

Peace is one of the most moral human concepts and Peacebuilding is also an issue that has been the subject of reflection by thinkers in the fields of ethics and philosophy for centuries. However, recent studies show that peace is not a purely moral issue but a phenomenon with economic benefits. This is especially important for Iran which is facing various internal and mainly external tensions. By using descriptive-analytical method, the paper examines the meaning of peace and its economic benefits from a theoretical and empirical perspective and then discusses the issue that despite benefiting from some of the benefits of economic development in recent decades, Iran not only has long been caught in various economic traps, but also the level of internal and external tensions has increased, and as a result, needs a transition to a new path of economic development. The results show that "Peace-Oriented Development" is a suitable alternative to get out of the traps and bottlenecks of the country's development. How to build peace-oriented development is a question that is answered in the final section of the paper in the form of a triple plan for changing interests-ideology-institutions.

Keywords: Peace, Economic Development, Peace-Oriented Development, Political Economy, Iran.

JEL Classification: P16, O10, H11.

* Associate Professor of Political Science at Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran, s.attar@yazd.ac.ir

Date received: 2022/02/15, Date of acceptance: 2022/06/20



اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور: چهارچوبی از مسیری جدید برای توسعه اقتصادی ایران

سعید عطار*

چکیده

صلح از اخلاقی‌ترین مفاهیم بشری است و صلح‌سازی قرن‌ها موضوع موردتأمل اندیشمندان حوزه‌های اخلاق و فلسفه بوده است. باین‌حال، مطالعات متأخر نشان می‌دهد که صلح نه موضوعی صرفاً اخلاقی بلکه پدیده‌ای با عواید اقتصادی است. این موضوع به‌خصوص برای کشور ما با تنش‌های مختلف داخلی و عمدتاً خارجی اهمیت دارد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ابتدا معنای صلح و عواید اقتصادی آن را از منظر نظری و تجربی موردبررسی قرار می‌دهد. سپس، این موضوع را به بحث می‌گذارد که ایران باوجود بهره‌مندی از برخی عواید توسعه اقتصادی در دهه‌های اخیر مدت‌هاست که هم در تله‌های مختلف اقتصادی گرفتار شده و هم سطح تنش‌های داخلی و خارجی کشور افزایش یافته و در نتیجه نیازمند گذار به مسیری جدید از توسعه اقتصادی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که برای خروج از تله‌ها و تنگناهای توسعه کشور «توسعه صلح‌محور» مسیر جای‌گزین مناسبی است. این‌که چگونه می‌توان توسعه‌ای صلح‌محور ساخت پرسشی است که در بخش پایانی این نوشتار در قالب طرح سه‌گانه تغییر منافع - ایدئولوژی - نهادها چهارچوبی از پاسخ به آن ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: صلح، توسعه اقتصادی، توسعه صلح‌محور، اقتصاد سیاسی، ایران.

طبقه‌بندی JEL: H11, O10, P16.

* دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران
s.attar@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰



۱. مقدمه

صلح و توسعه پدیده‌هایی مربوط به تاریخ اخیر زندگی انسان‌ها هستند. در درازنای تاریخ نبود صلح و وجود فقر و عقب‌ماندگی وضعیتی رایج و بعضاً عادی تلقی می‌شد. کتاب *فرشتگان بهتر ذات ما: چرا خشونت کاهش یافته است؟* (استیون پینکر ۱۴۰۰) به ما نشان می‌دهد که فقط طی چند دهه یا چند قرن اخیر است که رفتار خشونت‌آمیز در جوامع بشری کاهش یافته و جوامع بسیار بیش‌تر از آنچه در تاریخ طولانی‌شان تجربه کرده بودند، به سمت صلح‌سازی حرکت کرده‌اند و همین تغییرات مهمی در زندگی اجتماعی آن‌ها رقم زده است. در همین مدت و به موازات صلح‌سازی، جوامع بسیاری از فقر نجات پیدا کردند و توانستند فرصت‌های زیادی برای شکوفاشدن استعدادها و قابلیت‌های شهروندان خود ایجاد کنند.^۱

این نوشتار تلاش می‌کند با تمرکز بر صلح به‌منزله یکی از اخلاقی‌ترین مفاهیم بشری، نشان دهد که صلح نه موضوعی صرفاً اخلاقی بلکه پدیده‌ای با عواید اقتصادی است. این مسئله، به‌خصوص برای کشور ما که با تنش‌های مختلف داخلی و عمدتاً خارجی مواجه است، اهمیت دارد. نوشتار حاضر، ضمن بررسی معنای صلح و عواید اقتصادی صلح، از منظر نظری و تجربی این موضوع را به بحث می‌گذارد که ایران با وجود تجربه بهبود درآمدهای ملی و رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر، مدت‌هاست که در تله‌های مختلف گرفتار شده و به همین دلیل حرکت در مسیر توسعه صلح‌محور اقدامی مهم برای خروج از این تله‌ها و تنگناهاست. این‌که چگونه می‌توان توسعه صلح‌محور ساخت، پرسشی است که در بخش پایانی این نوشتار چهارچوبی از پاسخ به آن ارائه خواهد شد. پاسخ به پرسش چگونگی دشوارترین مرحله در هر پژوهش است؛ زیرا میزان مجهولات ما بسیار بیش‌تر از معلومات فعلی است. به‌گفته نورت (North 2005: 7) اگرچه امروزه درباره عوامل موفقیت توسعه چیزهای زیادی می‌دانیم، هرگز چیز چندانی درمورد چگونگی نیل به این هدف نمی‌دانیم. از این‌رو، طرح بحث چگونگی در بخش پایانی گامی اولیه در جهت برشمردن برخی از محورهای اصلی توسعه صلح‌محور است.

۲. اهمیت صلح

۹۲ سال پیش وقتی از جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) خواستند تا نظرش را درباره وضعیت جهان در صد سال آینده بگوید، او در سخنرانی «احتمالات اقتصادی برای

نوادگان ما» (Economic Possibilities for our Grandchildren 1930) برداشتی خوش‌بینانه را از آینده ارائه کرد و تحقق این سرعت بالای پیشرفت را به وجود سه پیش‌شرط منوط دانست: افزایش ظرفیت مهار رشد جمعیت، تداوم پیشرفت‌های علمی، و توانایی برای اجتناب از جنگ و درگیری‌های داخلی. کینز اجتناب از نزاع و درگیری (یا چنان‌که خواهیم گفت صلح منفی)، به‌منزله یکی از پیش‌شرط‌های توسعه، را یک سال بعد از پایان جنگ جهانی اول در کتاب کم‌تر دیده‌شده‌اش در ایران با عنوان *عواقب اقتصادی صلح* (The Economic Consequences of the Peace 1919) به‌طور مبسوط شرح داد. از پایان جنگ جهانی دوم که اقتصاد توسعه در واکنش به نیاز کشورهای تازه‌استقلال‌یافته آسیایی و آفریقایی شکل گرفت^۲ تا به اکنون موضوعات متعددی موردتوجه تحلیل‌گران توسعه قرار گرفته است. درمیان این موضوعات صلح کم‌تر محل توجه و بررسی بوده است. برای قرن‌ها صلح موضوعی فرعی در علوم اقتصاد و سیاست بوده و عمدتاً در حوزه‌های اخلاق و فلسفه موردتوجه برخی از اندیشمندان این حوزه‌ها قرار گرفته است.

اگر به روندهای پس از جنگ جهانی دوم نگاه کنیم، درخواهیم یافت که طی بیش از ۷۵ سال گذشته، هرچند جهان عاری از جنگ‌های داخلی و بین‌المللی نبوده، اما همین دهه‌ها صلح‌آمیزترین دوران تاریخ ثبت‌شده بشر بوده (عجم‌اوغلو ۱۳۹۵: ۴۲-۴۳) و در همین دوره بزرگ‌ترین موفقیت‌ها در زمینه توسعه کشورهای اتفاق افتاده است. به‌نظر می‌رسد، خروج از فقر با خروج از چرخه فقدان صلح هم‌زمان بوده است. بااین‌حال، در کشورهای زیادی از مناطق مختلف در همه قاره‌ها روندهای مخربی از جمله افزایش نابرابری‌ها، افزایش شدید احساس محرومیت نسبی، کاهش سرمایه اجتماعی، قاچاق و جریان‌های مالی غیرقانونی، تغییرات اقلیمی، و ظهور تکنولوژی‌های جدید تشدیدکننده شکاف‌های اجتماعی وجود داشته و همه این‌ها بستری را برای تنش، خشونت، و جنگ فراهم کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد، از سال ۲۰۰۷ به این سو تعداد مردمانی که در مناطق پرتنش زندگی می‌کنند دوبرابر افزایش یافته است، به‌طوری‌که مثلاً در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) (Middle East and North Africa-MENA) از هر پنج نفر یک نفر در مناطق پرتنش و مرگبار زندگی می‌کند (World Bank 2020: 5). همین کشورها در مسئله توسعه‌نیافتگی درگیرند.

تقریباً در همه گزارش‌های سال‌های اخیر، شاخص جهانی صلح (global peace index) منطقه منا در پایین‌ترین سطح بهره‌مندی از صلح قرار داشته است. در گزارش سال ۲۰۱۸

محاسبه شده که هزینه مستقیم و غیرمستقیم خشونت و ناامنی برای کشورهای این منطقه ۱/۷۹ تریلیون دلار بوده است (Institute for Economics and Peace 2018: 20). طی دو دهه اخیر نه کشور از هجده کشور منطقه خاورمیانه درگیر کشمکش‌های مستقیم ژئوپولیتیکی بوده‌اند و ۱۷۵ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی این نه کشور خسارت وارد شده است (McKinsey Global Institute 2021: 24). در آخرین گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱) پیش‌بینی شده است کشمکش و خشونت تا سال ۲۰۳۰ زندگی مردم دوسوم کشورها با درآمد کم و متوسط را شدیداً تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. اگر تصویر قسمت خوب جهان امروز می‌گفت که صلح و توسعه در یک مسیر حرکت کرده‌اند، تصویر قسمت بد جهان امروز هم می‌گوید که صلح کالای کم‌یاب اما حیاتی برای بسیاری از مناطق جهان از جمله منطقه ماست.

۳. معنای صلح و ریشه‌های نزاع: به‌سوی صلح مثبت

در ادبیات حوزه صلح به فقدان جنگ، کشمکش، کودتا، انقلاب، شورش، قتل، تجاوز، و تمام اشکال خشونت «صلح منفی» (negative peace) می‌گویند. باین‌حال، معنای صلح در ابعاد دقیق‌ترش را باید در تعبیر ایجابی آن یا در قالب «صلح مثبت» (positive peace) یافت. به تعبیر کیلی (Killelea 2020: 15)، صلح مثبت به معنی نگرش‌ها، نهادها، و ساختارهایی است که جوامع صلح‌جو را ایجاد و حفظ می‌کنند. این جوامع صلح‌جو صلح درمیان خود (محلی و ملی)، با دیگران (بین‌المللی)، و با طبیعت را در اولویت قرار می‌دهند. تأکید بر نگرش‌ها، نهادها، و ساختارهایی که جوامع را صلح‌جو می‌کند به یک دلیل ساده است: عمده نزاع‌ها بر سر منابع و سرمایه‌هاست و دامنه آن می‌تواند به نزاع میان آدم‌ها و تخریب محیط‌زیست منجر شود. نه فقط در اقتصاد بلکه جامعه‌شناسان مطرحی چون پیر بوردیو نشان داده‌اند که در جامعه میدان‌ها (یا به زبان اقتصادی بازارها)ی زیادی وجود دارد و در هر میدان (بازار) منبع و سرمایه‌ای وجود دارد که عده‌ای برای دست‌یابی به آن رقابت یا نزاع می‌کنند.^۳

جدا از پژوهش‌هایی که منازعه را ناشی از سرشت انسان می‌دانند (see Vasquez 1993) یا آن را حاصل فرایندهای روان‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی می‌دانند (see Devine et al. 1994)،^۴ خواست دسترسی به منابع و کنترل آن‌ها از مهم‌ترین دلایل بروز کشمکش و نزاع بوده است، مخصوصاً زمانی که منابع کم‌یاب‌اند (یعنی تقریباً همیشه) و باوجود کم‌یابی منابع قوانین و هنجارهای دسترسی به و کنترل بر منابع یا نهادینه نشده یا در صورت وجود

قوانین و هنجارهای مستحکم ناعادلانه تلقی می‌شوند یا با سوء استفاده‌های مکرر از چهارچوب‌های قانونی و هنجاری بی‌اثر شده‌اند. در نتیجه، رقابت غیرضابطه‌مند و غیرعادلانه بر سر منابع کمیاب عمده‌ترین دلیل بروز کشمکش و نزاع محسوب می‌شود (Vernon 2016). به دلیل فهم دقیق از ریشه‌های نزاع، صلح مثبت جامع‌ترین تعریف از صلح محسوب می‌شود.

۴. چهارچوب نظری توسعه صلح‌محور: صلح برای توسعه یا توسعه برای صلح؟

در سال ۱۹۰۶ یافته‌های لئون والراس^۵ نشان داد قدری از توسعه اقتصادی برای صلح لازم است و صلح نیز برای دستیابی به قدری از توسعه اقتصادی لازم است. این عبارتی است که وقتی برخی سیاست‌مداران در دهه‌های بعد به مفهوم «سود صلح»^۶ اشاره می‌کردند، در ذهن داشتند. تحلیل‌گران رشته‌های گوناگون نیز بعدها این مفهوم را به کار بردند (برای نمونه Trondalen 2011; Darvy 1995). از منظر مطالعات موجود، پاسخ به این پرسش که صلح برای دستیابی به توسعه مهم است یا توسعه برای تحقق صلح روشن است. یافته‌های دسته‌ای از مطالعات نشان‌دهنده اهمیت توسعه برای صلح است و یافته‌های دسته‌ای دیگر گواهی است بر اهمیت صلح برای پیش‌برد اهداف توسعه‌ای. شواهد علمی نظام‌مندی در این مورد وجود دارند (see Blomberg and Hess 2002; Junne and Verkoren 2004) که منازعات داخلی، منازعات بیرونی، و رکودهای اقتصادی یک‌دیگر را تقویت می‌کنند و صلح داخلی و خارجی و توسعه مقوم یک‌دیگرند.

تقریباً روشن است که دستیابی به صلح بدون وجود سطحی از توسعه اقتصادی ناممکن است و نمی‌توان جوامعی را پیدا کرد که بدون رسیدن به مواهب توسعه اقتصادی به درجه بالایی از صلح (مثبت) رسیده باشند. دلیل آن این است که، عوامل اقتصادی از جمله سطح بالای فقر، بی‌کاری، و تورم محیطی پُر تنش را ایجاد می‌کنند و ریسک‌های سیاسی را در کشور افزایش می‌دهند. به عبارت دیگر، عملکرد ضعیف اقتصادی به کاهش امکان برقراری صلح در کشور و به این ترتیب به بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌شود (Farzanegan 2017).

زمانی که وضعیت اقتصادی کشور نامطلوب باشد و فرصت‌های اقتصادی بسیار اندک باشند، شهروندان خود را در وضعیت حاصل جمع صفر خواهند دید و همین بستر لازم را برای تشدید نزاع‌ها (بر سر منابع) فراهم خواهد کرد. برعکس، در صورت رشد اقتصادی بالا و وجود فرصت‌های اقتصادی این باور تضعیف خواهد شد که شهروندان در بازی‌ای با

حاصل جمع صفر گرفتار شده‌اند. مثلاً توسعه اقتصادی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ داخلی در قرن نوزدهم احساس حاصل جمع صفر بودن زندگی در آن جامعه را به شدت کاهش داد. یا در نمونه‌ای دیگر، رشد اقتصادی در ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۶۰ باعث شد تا هم‌گرایی و ادغام زنان، سیاه‌پوستان، و دیگر اقلیت‌ها در اقتصاد و جامعه تسهیل شود و تنش‌های نژادی کاهش یابد (کریسبرگ و دایتون ۱۳۹۷: ۱۲۴، ۳۱۲).

باین‌حال، آن طرف معادله به این روشنی نیست. نکته مهم در سمت دوم معادله این است که توسعه اقتصادی به صورت خودبه‌خود به صلح مثبت منجر نمی‌شود؛ زیرا فعالیت‌های اقتصادی مقولاتی خنثی و بی‌طرف نیستند و برخی رویه‌ها در توسعه اقتصادی می‌تواند آثار نامطلوبی برای صلح داشته باشد. در پیش‌برد توسعه اقتصادی، چنان‌چه فعالیت‌ها و رویه‌های اقتصادی به حذف گروه‌های هویتی مشخصی منجر شوند یا با ایجاد نابرابری‌های غیرضرور در توزیع ثروت به تشدید محرومیت و نارضایتی عمومی بینجامند یا با تخریب محیط‌زیست محیط زندگی مردم را تخریب کنند، همین فرایندها به تشدید تنش‌ها و نزاع‌ها در جامعه منتهی می‌شوند.^۷ مطالعات نشان می‌دهد که علاوه بر نابرابری و فقر، فساد نیز پدیده‌ای آشنا در مسیر توسعه کشورها و منبع ایجاد نارضایتی و نزاع است (Coppolaro and McKenzie 2013).

از طرف دیگر، کشورهایی را می‌توان نام برد (مانند چین) که در آن‌ها دولت‌های اقتدارگرا با تضمین صلح منفی توسعه اقتصادی را محقق می‌کنند بدون آن‌که نگرش‌ها، نهادها، و ساختارهایی برقرار کنند که گشوده به روی همگان (inclusive) باشد. این به معنای توسعه بدون صلح مثبت است. به نظر می‌رسد، حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت توسعه اقتصادی را می‌توان صرفاً با تضمین صلح منفی محقق کرد، هرچند تداوم توسعه در محیطی که در آن ساختارهای ایجادکننده صلح مثبت ضعیف‌اند، با تردیدهایی جدی مواجه است. در نتیجه، جوامع حداقل در بلندمدت به مسیریابی از توسعه اقتصادی نیاز دارند که به ارتقای صلح مثبت در جامعه کمک کند.

اگر برای تداوم توسعه اقتصادی در بلندمدت به صلح مثبت نیاز است، برای آغاز توسعه اقتصادی وجود صلح منفی احتمالاً کافی است. مطالعه‌ها نشان می‌دهند که درجه بالایی از نوسانات اقتصادی از ویژگی‌های مشترک کشورهای است که در وضعیت نامناسبی از نظر صلح منفی قرار دارند. در این کشورها، متعاقب دوره کوتاه رشد، دوره‌هایی از رکود و انقباض‌های شدید اقتصادی آغاز می‌شود. بحران‌های اقتصادی که پی‌آمد فقدان صلح

منفی‌اند، خود می‌توانند به نوسانات بیش‌تر اقتصادی و در نتیجه تشدید تنش‌ها در جامعه منجر شوند. شاید کم‌تر اقتصاددانی تردید داشته باشد که نوسانات طولانی‌مدت اقتصاد کلان زمینه لازم را برای وقوع نرخ‌های بالای تورم، کاهش ارزش پول ملی، و افزایش بدهی‌های دولت فراهم می‌کند. این سه مورد باعث تشدید بی‌ثباتی و افزایش تنش‌ها می‌شوند (Institute for Economics and Peace 2018: 28). در واقع، درهم‌کنش فقدان صلح منفی و توسعه‌نیافتگی چرخه رذیلت را در این کشورها ایجاد می‌کند.

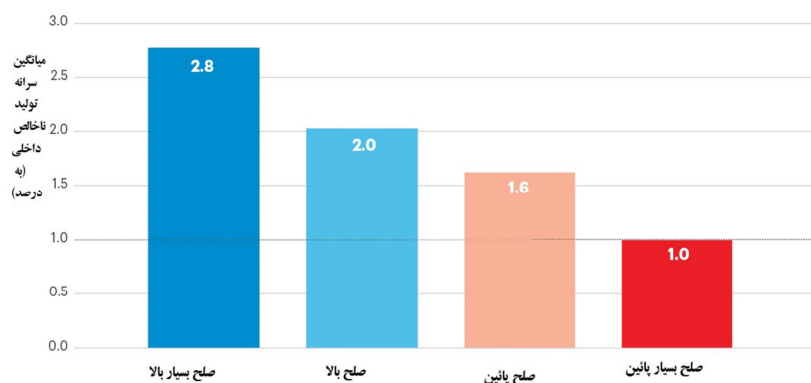
پژوهش‌های تجربی زیادی در مورد تأثیر نزاع‌های شدید در رشد و توسعه اقتصادی انجام شده است. برای نمونه، تحلیلی در مورد عملکرد اقتصادی کشورها در بازه زمانی ۱۹۶۰-۱۹۸۹ نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی با نزاع‌های شدید داخلی و خارجی هم‌بستگی منفی دارد (Koubi 2005). علاوه بر این، فقدان یا ضعف صلح به شیوه غیرمستقیم در سطح رشد و توسعه اقتصادی کشورها تأثیر می‌گذارد. کشورهایی که تنش‌های داخلی یا خارجی دارند، بخش بزرگ‌تری از منابعشان را در حوزه‌های دفاعی و نظامی خرج می‌کنند و طبق قاعده کم‌یابی منابع کم‌تری را به زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی مهم برای انباشت سرمایه و توسعه انسانی تخصیص می‌دهند. به همین دلیل، تنش‌های داخلی یا خارجی در مسیر رشد بلندمدت آن‌ها تأثیر نامطلوبی خواهد داشت.^۸

۵. صلح و عملکرد اقتصاد: داده‌های تجربی

تأثیر وضعیت ناصح در اقتصاد مسئله‌ای است که هم به لحاظ نظری قابل تحلیل است و هم می‌توان آن را با داده‌های آماری تأیید کرد. برای نمونه، در سال ۲۰۱۷ تأثیر اقتصادی خشونت در اقتصاد جهانی ۱۴/۷۶ تریلیون دلار (برحسب PPP) برابر با ۱۲/۴ درصد کل تولید ناخالص جهانی بوده است (Institute for Economics and Peace 2018: 2). این داده‌ها را مؤسسات مختلف جمع‌آوری و محاسبه می‌کنند و مبنای تجربی خوبی برای این موضوع فراهم می‌کنند. یکی از این مؤسسات مؤسسه اقتصاد و صلح با مدیریت استیو کیلی (Steve Killelea)^۹ است.

براساس داده‌های منتشرشده از رشد تولید ناخالص داخلی در سطح جهان، طی سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۱۸ کشورهایی که در سطح بالایی از شاخص‌های صلح قرار دارند، حدود سه‌برابر بیش‌تر از کشورهای دارای سطح پایین صلح رشد اقتصادی داشته‌اند.

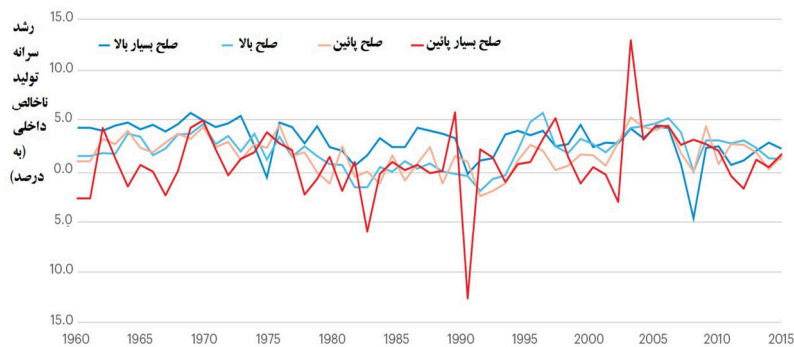
در حالی که میانگین رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای دارای سطح بالای صلح ۲/۸ درصد بوده، رشد کشورهای دارای سطح پایینی از صلح کم‌تر از یک درصد بوده است. هر چند احتمالاً بین صلح و توسعه ارتباط علی وجود ندارد، اما روندهای این دو شاخص نشان‌دهنده هم‌بستگی میان آن‌هاست. شکل ۱ نشان می‌دهد که از سال ۱۹۶۰ به بعد در سطوح مختلف صلح در کشورها نرخ رشد سالانه متفاوتی وجود داشته است. روند بلندمدت رشد اقتصادی نشان‌دهنده وجود واگرایی در سرانه رشد تولید ناخالص داخلی کشورها بر حسب سطوح متفاوت صلح در آن‌هاست. سرانه رشد در کشورهای دارای سطح بالای صلح بیست برابر بیش‌تر از کشورهایی بوده که سطح صلح در آن‌ها پایین است و همین باعث شده است تا نرخ رشد آن‌ها در بلندمدت بالاتر باشد.



شکل ۱. رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۱۹۶۰-۲۰۱۶)

منبع: Institute for Economics and Peace 2018: 29

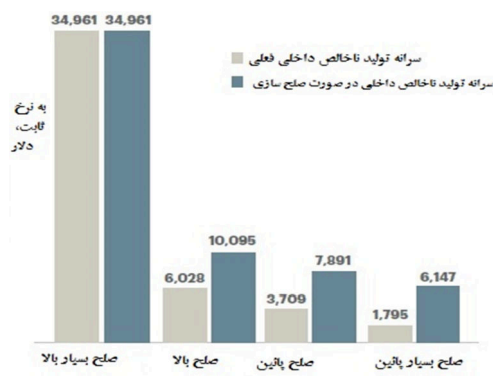
پایداری سطح پایین رشد سرانه درآمد در کشورهای دارای سطوح پایین‌تر صلح آن‌ها را با این چالش مواجه کرده است که نتوانند بدون دگرگونی اساسی در ساختارهای خود استانداردهای زندگی‌شان را ارتقا دهند و به دلیل احتمال اندک رخداد چنین دگرگونی شاید این نتیجه به دست آید که آن‌ها تا آینده‌ای معلوم در وضعیت کم‌تر توسعه‌یافتگی باقی خواهند ماند. همان‌طور که از وضعیت کشورهای دارای سطوح پایین‌تر صلح در شکل زیر مشخص است، انحراف از میانگین بلندمدت نشان‌دهنده نوسان بیش‌تر در رشد و ایجاد چرخه‌های بیش‌تر رونق و رکود است. کشورهای دارای سطوح پایین‌تر صلح که ثبات اقتصاد کلان‌شان هم پایین بوده است، هفت برابر بیش‌تر انحراف از میانگین رشد داشته‌اند.



شکل ۲. روند رشد بلندمدت اقتصادی در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۱۹۶۰-۲۰۱۶)

منبع: Institute for Economics and Peace 2018: 29

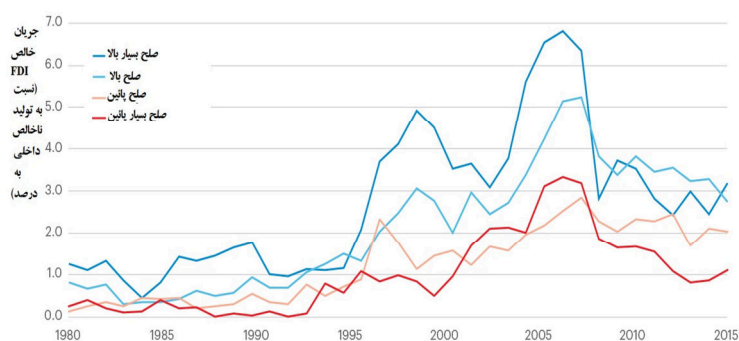
اگر ظرفیت رشد اقتصادی کشورهای دارای سطح پایین صلح همین ظرفیتی بود که طی شصت سال گذشته داشتند، اما این کشورها اقدامات مؤثری در صلح‌سازی انجام می‌دادند و به سطوح بالاتر صلح می‌رسیدند، سرانه تولید ناخالص داخلی آن‌ها چه قدر می‌توانست بالاتر باشد؟ همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد، سرانه تولید ناخالص داخلی آن‌ها می‌توانست به ۶۱۴۷ دلار برسد، در حالی که در عمل سرانه تولید ناخالص داخلی آن‌ها ۱۷۹۵ دلار است. این نشان‌دهنده شکاف ۴۳۵۲ دلاری در سرانه تولید این کشورهاست که می‌توانست با صلح‌سازی محقق شود. در این صورت، ۱۳/۸۷ تریلیون دلار به تولید جهانی اضافه می‌شد (Institute for Economics and Peace 2018: 30).



شکل ۳. شکاف رفاه در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۲۰۱۶)

منبع: Institute for Economics and Peace 2018: 30

همین هم‌بستگی را می‌توان میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و صلح نیز مشاهده کرد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. مطالعات تجربی نشان داده است که سرمایه‌گذاری خارجی نه فقط منبع تأمین بسیاری از نیازهای مالی است، بلکه احتمالاً می‌تواند فناوری‌ها و دانش مدیریتی جدید را به کشورها وارد کند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری خارجی با افزایش جریان‌های تجاری باعث ادغام اقتصاد کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی می‌شود. به‌استثنای کشورهای دارای منابع طبیعی (نه همه آن‌ها) چنین سرمایه‌گذاری‌ای کم‌تر در محیط‌های پُرتنش اتفاق می‌افتد.



شکل ۴. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌منزله درصدی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۱۹۸۰-۲۰۱۶)

منبع: World bank, Institute for Economics and Peace 2018: 58

همان‌طور که شکل ۴ نشان می‌دهد، از سال ۱۹۸۰ به بعد میانگین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معادل ۲ درصد از تولید ناخالص کشورهای دارای سطح بالایی از صلح (عمدتاً شامل کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه) بوده، در حالی که این رقم برای کشورهای دارای سطح پایینی از صلح معادل ۰/۸۴ درصد از تولید ناخالص داخلی آن‌ها بوده است.

۶. پیشینه پژوهش در نوشته‌های فارسی

باین که صلح‌سازی برای بهبود عملکرد اقتصاد کشورها مهم است، پژوهش‌های بسیار اندکی در حوزه اقتصاد صلح انجام شده است. براساس مقالات علمی که در مگ‌ایران

(بزرگ‌ترین بانک اطلاعات نشریات کشور) نمایه شده، ۲۳۵۶ مقاله علمی با کلیدواژه صلح در حوزه‌های غیراقتصادی از جمله اندیشه (برای نمونه جمشیدی ۱۳۹۶)، حقوق (برای نمونه طاهریان و هادی تبار ۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی (برای نمونه رستمی و فیروزکاه ۱۳۹۹)، و روابط بین‌الملل (برای نمونه کریمی ۱۴۰۰) طبقه‌بندی شده است. همین مسئله نشان‌دهنده ضرورت توجه بیش‌تر پژوهش‌گران حوزه‌های اقتصاد و اقتصاد سیاسی به موضوع مهم اما مغفول‌مانده صلح در ایران است. در بخش زیر به پژوهش‌هایی اشاره شده است که به لحاظ محتوا تاحدی به نوشتار حاضر نزدیک‌اند.

اصغرپور و دیگران (۱۳۹۲) با استفاده از داده‌های سری‌های زمانی سالانه سیاسی و اجتماعی، تأثیر بی‌ثباتی سیاسی در رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۳۹-۱۳۸۸ را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با استفاده از روش APARCH تأثیر متغیر بی‌ثباتی سیاسی در رشد اقتصادی (براساس دو شاخص بی‌ثباتی سیاسی رسمی و غیررسمی) را آزمون کرده‌اند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد، متغیرهای مربوط به هر دو شاخص بی‌ثباتی سیاسی تأثیری منفی در رشد اقتصادی داشته‌اند.

اسماعیل‌نیا و وصفی اسفستانی (۱۳۹۵) با تمرکز بر شاخص‌های مختلفی چون شکنندگی دولت‌ها، درک فساد، صلح، و مخارج نظامی با استفاده از تحلیل پانل دیتا برای ۱۳۵ کشور (از جمله ایران) در دو دوره زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۴ و ۲۰۰۸-۲۰۱۴ آثار اقتصادی دو رویکرد سنتی و نوین امنیتی را بررسی کرده‌اند. نتایج مقاله نشان می‌دهد، مؤلفه‌های مخارج نظامی و شکنندگی دولت تأثیری منفی در رشد اقتصادی دارند. هم‌چنین، بررسی رابطه «شاخص جهانی صلح» و «شاخص شکنندگی دولت‌ها» با میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای موردبررسی نشان می‌دهد شاخص جهانی صلح دارای تأثیر مثبت و شاخص شکنندگی دولت دارای تأثیر منفی است. درکل، شاخص‌های منبعث از رویکردهای سنتی تأثیر مثبتی در رشد اقتصاد ندارند و رویکردهای نوین به دلیل ساختارگرا بودن و توجه به طیف وسیعی از عوامل ناامن‌کننده ارتباط مثبتی با مؤلفه‌های اقتصادی در جوامع گوناگون دارند.

اسدی دربندی (۱۳۹۷) با تمرکز بر رویکرد نوین صلح و توسعه اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن، تأثیر صلح و امنیت در رشد و توسعه اقتصادی کشورها را در سطح نظری بررسی کرده است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی جنبه‌های مختلف جهانی‌شدن و تأثیر آن در رشد و توسعه کشورها را بررسی می‌کند. یافته‌های مقاله نشان

می‌دهد که از یک سو جهانی شدن با ظهور شبکه‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی دولت – ملت را محدود می‌کند و از سوی دیگر، برخلاف گذشته که امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد، امروز جهانی شدن در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، و اجتماعی مطرح است که باعث شده است تهدیدها از حالت نظامی صرف خارج شوند. از سوی دیگر، نتایج بررسی‌های این مقاله حاکی است که رویکردهای نوین به صلح و امنیت باتوجه به ساختارگرایی آن‌ها ارتباطی تنگاتنگ با رشد و توسعه اقتصادی در جوامع مختلف دارند.

موتقی (۱۴۰۰) توسعه صلح‌محور و مؤلفه‌های آن را بررسی کرده است. وی با نقد رهیافت نئولیبرال و با تمرکز بر رویکرد اقتصاد سیاسی به توسعه صلح‌محور، این فرضیه را مورد بررسی قرار داده که صلح، دموکراسی، و توسعه سه رکن اصلی پارادایم توسعه صلح‌محورند که دولت، صاحبان سرمایه، و جامعه مدنی در تعامل سازنده با یکدیگر می‌توانند به تحقق هر سه کمک کنند. یافته‌های مقاله که با استفاده از روش توصیفی به دست آمده است، نشان می‌دهد الگوی توسعه صلح‌محور می‌تواند راه را برای دموکراسی هموار کند. به جز مقالات مجلات علمی، یک مقاله ارائه شده در همایش نیز در این موضوع وجود دارد. در این مقاله مؤمنی (۱۳۹۸) نسبت صلح و علم اقتصاد را بررسی کرده است. وی ضمن نقد رویکرد بازارگرا و جوه نظری و عملی آسیب‌های این رویکرد را بررسی و تلاش کرده تا سازوکارهای اندیشه‌ای و عملی مشخصی برای برون‌رفت از چالش‌های ناشی از اجرای رویکرد بازارگرا در مسیر حرکت به سوی امنیت، صلح، و اخلاق ارائه کند. در مجموع، همان‌طور که از محتوای این معدود پژوهش‌ها مشخص است، هیچ‌یک از آن‌ها با رویکرد اقتصاد سیاسی موضوع اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور را در ایران بررسی نکرده‌اند.

۷. «بهای» مسیر گذشته: اهمیت نگاهی جدید به توسعه اقتصادی در ایران

به یک معنا رشد اقتصادی حاصل بهبود مستمر تولید ملی، خلق درآمد و ثروت، کسب معیشت مناسب و پایدار برای مردم، انباشت مستمر سرمایه، و حفظ منابع و محیط‌زیست برای نسل کنونی و نسل‌های آینده اجزای چندگانه توسعه پایدارند. از پروژه‌های اقتصادی انتظار می‌رود که در این موارد تأثیری مثبت داشته باشند. با این حال، عمده پروژه‌های توسعه‌ای پروژه‌هایی با تمرکز بر یک یا چند هدف به بهای نادیده گرفتن بقیه اهدافند.

برای نمونه، یک پروژه بزرگ معدنی حق مالکیت و تعدادی فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند (مانند تحقق رشد اقتصادی و خلق درآمد برای دسته‌ای از مردم و انباشت سرمایه)، اما می‌تواند چند هدف دیگر را قربانی کند (مانند تخریب محیط‌زیست و افزایش نابرابری‌ها در منطقه). این موارد «بهای» چنین مسیر توسعه‌ای‌اند.

بیش از یک قرن از شکل‌گیری مسیر توسعه ایران از دوران پس از مشروطه به بعد گذشته و این مسیر از دهه ۱۳۲۰ با تدوین اولین برنامه توسعه شکل و ماهیت خاصی پیدا کرده است. با این‌که طی این دهه‌ها فراز و فرودهای زیادی اتفاق افتاده، برخی از مؤلفه‌های ثابت نیز وجود داشته است. در تمام این مدت که از درون اتفاقات بزرگ سیاسی و حتی انقلاب نیز گذشته، حضور سنگین دولت و نظام برنامه‌ریزی دولتی در اقتصاد از یک‌طرف و تمرکز بر صنایع سنگین (ذوب آهن، فولاد، و ... به‌مدد درآمدهای نفتی) به‌منزله پیش‌ران اقتصادی کشور از طرف دیگر ثابت باقی مانده است. این دو مؤلفه تقریباً ثابت خصالتی به مسیر توسعه ایران داده‌اند که ابتدای این بخش به آن‌ها اشاره شد: «قربانی کردن برخی از اهداف توسعه به بهای رسیدن به چند هدف دیگر توسعه».

ظهور مسیرهای جدید توسعه به‌کمک انقلاب صنعتی چهارم همراه تداوم طولانی مدت حرکت در مسیر گذشته و کاهش تاب‌آوری محیطی و انسانی برای پرداخت بهای آن به قفل‌شدگی اقتصاد ایران منجر شده است. هرچند در این مورد می‌توان شواهد متعددی را مثال زد و به طیف وسیعی از پی‌آمدهای این مسیر توسعه از تخریب‌های محیط‌زیستی تا تضعیف سرمایه اجتماعی اشاره کرد و توضیح داد که باوجود عواید مسیر گذشته از جمله کاهش میزان فقر، توسعه شهرها، و دسترسی نسبی عموم به امکانات رفاهی و بهداشتی، تداوم پرداخت هزینه‌های این مسیر خسارت‌های جبران‌ناپذیری به جامعه و توسعه آتی کشور وارد خواهد کرد،^۱ اما مسیر موجود توسعه کشور حتی عواید اقتصادی پیشین خود را از دست داده و اقتصاد کشور را در تله‌های مختلف گرفتار کرده است. از میان تله‌های متعدد «تله درآمد متوسط» از مهم‌ترین آن‌هاست.

برپایه تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، محدوده درآمد سرانه ۲۰۰۰-۷۵۰۰ دلار (به‌قیمت جاری) یا ۷۵۰۰-۱۱۵۰۰ دلار (به نرخ دلار ثابت ۱۹۹۰) را «درآمد متوسط» دانسته‌اند. دستیابی به درآمد سرانه بیش از دو هزار دلار به این معنی است که این کشورها توانسته‌اند با خروج نسبی از فقر و محرومیت شدید بر مشکلاتی مانند گرسنگی بخش‌های بزرگی از جمعیت غلبه کنند. باوجود این، این کشورها در زمینه رفاه و برخورداری فاصله

معناداری با کشورهای پیشرفته دارند. در واقع، این کشورها با وجود تجربه رشد های بالا یا با کاهش نرخ رشد و یا حتی با دوره های رکود و عقب گرد مواجه شده اند و از دست یابی به درآمد سرانه بالاتر از این میزان و کاهش فاصله خود با کشورهای پیش رو ناتوان شده اند. چنانچه کشوری طی ۲۸ سال یا بیش تر (به قیمت جاری) و چهارده سال یا بیش تر (به نرخ دلار ثابت) در این دامنه درآمدی قرار داشته باشد، در تله درآمد متوسط گیر افتاده است (Gill and Kharas 2015: 8-9).



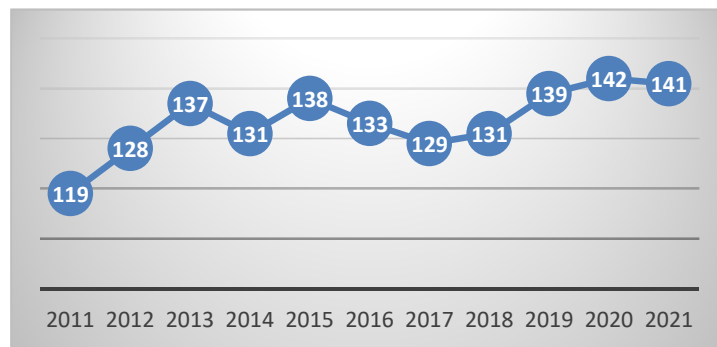
شکل ۵. درآمد سرانه ایران (۱۹۶۰-۲۰۲۰)

منبع: World Bank 1960-2020

شکل ۵ نشان می دهد که درآمد سرانه ایران (به قیمت جاری)، طی چند دهه اخیر در الگویی از «حرکت - توقف» قرار داشته و اقتصاد ایران طی ۴۵ سال گذشته (۱۹۷۵-۲۰۲۰)، به جز چند سال (نیمه اول دهه ۱۹۹۰ که درآمد سرانه به زیر دو هزار دلار و سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ که به بالای ۷۵۰۰ دلار رسید)، نزدیک به چهل سال در تله درآمد متوسط گیر کرده است. وضعیت افت درآمد سرانه به خصوص در یک دهه اخیر وخیم تر شده است. بررسی حساب های ملی (بانک مرکزی) طی نزدیک به دو دهه اخیر نیز تأیید می کند که در حالی که درآمد سرانه سال ۱۳۸۳ (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰)، ۵/۷ میلیون تومان بوده و درآمد سرانه در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۷/۳ میلیون تومان رسیده بود، درآمد سرانه در سال ۱۳۹۸ به ۴/۸ میلیون تومان سقوط کرده است. به دلیل این که در خارج قسمت اقتصاد ایران مخرج یعنی جمعیت و نیازها سریع تر از صورت یعنی تولید ملی افزایش پیدا کرده، افول اقتصادی اتفاق افتاده است. این به معنای ناتوانی اقتصاد ایران برای گذار به درآمد سرانه بالاتر و خروج پایدار از تله درآمد متوسط است.

دلایل متعددی را برای گیرافتادن کشورها در تله درآمد متوسط ذکر می‌کنند (برای نمونه Alonso and Ocampo 2020)، باین‌حال، از مهم‌ترین اقدامات برای خروج از این تله افزایش توان‌مندی‌های فناورانه و تقویت نظام نوآوری در سطح ملی، بخشی، و بنگاهی (شرکتی) است که این مسئله اهمیت شکل‌دادن به همکاری‌های گسترده میان افراد، گروه‌ها، و مناطق در سطح ملی و کشورها در سطح بین‌المللی را نشان می‌دهد.^{۱۱} به عبارت دیگر، صلح‌سازی در داخل و خارج می‌تواند با تضمین همکاری‌های پایدار میان واحدهای گوناگون به ارتقای توان‌مندی‌های فناورانه و تقویت نظام نوآوری و در نتیجه خروج از تله درآمد متوسط کمک کند.

باین‌حال، گیرافتادن کشور در تله درآمد متوسط زمانی اتفاق افتاده که کشور در شاخص‌های صلح نیز افول داشته است. داده‌های مربوط به وضعیت ایران در شاخص‌های صلح نشان می‌دهد که طی یازده سال اخیر رتبه ایران از ۱۱۹ (در میان ۱۵۳ کشور) به رتبه ۱۴۱ (در میان ۱۶۳ کشور) سقوط کرده و در سال ۲۰۲۱ فقط یک رتبه بهتر از کشور اوکراین بوده است که با تنش‌های زیادی در داخل و خارج مواجه است.^{۱۲} این مسئله نشان‌دهنده نوعی هم‌بستگی (نه علیت) میان وضعیت صلح و وضعیت عمومی اقتصاد کشور است.



شکل ۶. وضعیت ایران در شاخص صلح جهانی (۲۰۲۱-۲۰۱۱)

منبع: Institute for Economics and Peace, Global Peace Index 2011-2021

برای خروج از تله‌های مسیر کنونی توسعه کشور و رفتن به سمت مدارهای رشد و توسعه بالاتر ضروری است تا رویکردی مدنظر قرار گیرد که ضمن حفظ بخش‌های مفید مسیر گذشته به فراسوی آن گام بردارد. چالز هندی (۱۳۹۸: ۲۵-۲۶) به خوبی

توضیح می‌دهد که برای حرکت به جلو در بسیاری از عرصه‌های زندگی لازم است که بسیاری از معادلات به‌طور بنیادی تغییر کنند و مسیر نوینی برگزیده شود که متفاوت از مسیر فعلی باشد. از این منظر، به راه و روشی کاملاً جدید در نگاه به مسائل تکراری نیاز است. مفهومی که توماس کوهن آن را «تغییر پارادایم» (paradigm shift) نامید. هندی به‌درستی می‌گوید که مشکل واقعی این است که این دگرگونی زمانی باید آغاز شود که مسیر قبلی هنوز هم به نسبت معایش مزایای زیادی دارد. درست در زمانی که مسیر قبلی رشد و توسعه در حال پیش‌روی است، سیاست‌گذاران ارشد کشور باید به مسیرهای جدید و متفاوت فکر کنند و فرصت‌های بیش‌تری برای رفتن به سمت مسیر جدید را برای بازیگرانی ایجاد کنند که بیرون از مسیر رشد و توسعه قبلی بودند.

باتوجه به مجموعه داده‌های مربوط به وضعیت اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر، به‌نظر می‌رسد که در ایران، از میانه دهه ۱۳۸۰، مسیر قبلی رشد و توسعه اقتصادی به‌سمت هزینه‌های بیش‌تر و فواید کم‌تر حرکت کرده و کشور در تله‌های مختلف از جمله تله درآمد متوسط گرفتار شده است.^{۱۳} به‌خصوص در میانه دهه ۱۳۸۰ منابع گسترده ارزی حاصل از فروش نفت بالای صد دلار، میزان بدهی‌های دولت، حجم نقدینگی، وضعیت محیط‌زیست، و بسیاری از دیگر شاخص‌ها در وضعیت بسیار بهتری در مقایسه با امروز قرار داشتند.^{۱۴} در وضعیت حاضر با کمبود بسیاری از منابع و از دست رفتن فرصت‌های گذشته برای تغییر مسیر، اجرای تغییر بسیار دشوارتر شده است. با این حال، استدلال اصلی نوشتار حاضر این است که به‌دلیل گسترش دامنه منازعات در حوزه‌های مختلف، افول شدید وضعیت شاخص صلح، و خطر به‌هم‌ریختگی‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی، راه جدید رشد و توسعه اقتصادی ایران باید از مسیری گذر کند که در آن صلح‌سازی متغیر اصلی است؛ این مسیر توسعه صلح‌محور است.

این مسئله به‌خصوص به‌دلیل قرارداد شدن ایران در منطقه خاورمیانه و تنش‌های متعدد با دنیای خارج حیاتی است. منطقه منادقل در شصت سال گذشته ناآرام‌ترین و بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان بوده است. عمده بی‌ثباتی‌های این منطقه نتیجه نزاع‌های سیاسی و قومی و طی چند دهه اخیر نزاع‌های مذهبی و پی‌آمد آن یعنی ظهور گروه‌های تروریستی بوده است. از نزاع اعراب و اسرائیل شامل دست‌کم ۲۶ بحران و پنج جنگ (Gangopadhyay and Elkanj 2016: 2) و جنگ اخیر (۲۰۲۱) اسرائیل در نوار غزه تا جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و جنگ‌های نیابتی ایران با برخی کشورهای منطقه به‌خصوص

اسرائیل و عربستان فقط بخشی از تاریخ نزاع و درگیری در این منطقه پر آشوب است. اگر به این موارد جنگ‌های داخلی در کشورهایی مثل لیبی، سوریه، و یمن را نیز اضافه کنیم، تصویر دقیق‌تری از وضعیت جنگ و صلح در منطقه خواهیم داشت.

علاوه‌براین، تنش‌های خارجی و داخلی در ایران هم هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد ایران وارد کرده و هم بخش بزرگی از ظرفیت‌های اقتصاد کشور را تحلیل برده است. مطالعه فرزنانگان (Farzanegan 2020: 129) نشان می‌دهد که دو نزاع درونی و بیرونی در بازه زمانی ۱۳۵۸-۱۳۶۸ (هزینه‌های انقلاب و جنگ)، با از بین بردن سرانه درآمد واقعی به میزان ۴۰ درصد (در صورت نبود انقلاب و جنگ)، هزینه‌ای در حدود ۱/۵ تریلیون دلار برای اقتصاد ایران داشته و به‌طور تجمیعی متوسط درآمد از دست‌رفته هر ایرانی در مدت مورد اشاره ۳۴ هزار و ۶۶۰ دلار بوده است. برخی از برآوردها نیز نشان می‌دهد که تنش‌های ایران با غرب و تحریم‌های پی‌آمد هزینه سنگینی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است.^{۱۵} برای خروج از وضعیتی که به تخریب ظرفیت‌های اقتصادی کشور منجر شده است، راه جدید رشد و توسعه اقتصادی ایران باید از مسیر توسعه صلح‌محور گذر کند.

۸. اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور: چه باید کرد؟

رفع مشکلات در مسیر صلح‌سازی پیچیده است. به دلیل این‌که این مشکلات توأمان اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی‌اند و چنان درهم تنیده شده‌اند که یک‌به‌یک حل کردن آن‌ها تقریباً غیرممکن است و به طراحی مجموعه سیاست‌های چندوجهی و منسجم نیاز است. در کوتاه‌مدت می‌توان از حوزه‌هایی شروع کرد که «بهای مسیر گذشته» بودند. پروژه‌های اقتصادی در رویکرد جدید باید مرتباً به این سؤال پاسخ دهند که تا چه حدی می‌توانند ایجاد فرصت‌های برابر برای همه، حفظ محیط‌زیست، و تطبیق با شرایط اقلیمی را تضمین کنند؟ به عبارت دیگر، پروژه‌ها و تصمیم‌های اقتصادی باید به این پرسش پاسخ دهند که چه قدر می‌توانند در صلح میان افراد و طبیعت تأثیر بگذارند؟ رویکرد جدید توسعه صلح‌محور موضوع‌های جدیدی را در منظر سیاست‌گذاران قرار می‌دهد. در این رویکرد دولت باید به پروژه‌هایی اولویت بدهد که گروه‌های نادیده‌گرفته‌شده مسیر قبل و حفظ محیط‌زیست را در نظر گرفته باشند؛ پروژه‌هایی که به گسترش صلح در میان طیف وسیع‌تری از افراد جامعه و دوری از تخریب محیط‌زیست کمک می‌کنند.

در سطح کلان، اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور سه حوزه درهم تنیده «منافع - انگیزه»، «ایدئولوژی»، و «نهادها» را در نظر می‌گیرد. این سه موضوع مشخص می‌کنند که با در نظر گرفتن تأثیر متقابل نیروهای سیاسی و نیروهای اقتصادی چه طور می‌توان توسعه صلح محور ساخت. این سه حوزه چهارچوب مسیری را مشخص می‌کنند که توسعه و صلح را در آینده ایران تضمین خواهد کرد. در ادامه، چهارچوبی از این بحث ارائه می‌شود.

۱.۸ انگیزه‌ها و منافع تنش و توسعه صلح محور

چرا دسته‌ای از گروه‌ها از تنش حمایت می‌کنند؟ در نگاه اول پاسخ به این پرسش چیزی نیست جز تمایلات یک «فرهنگ جنگ طلب».^{۱۶} اقتصاد سیاسی از طریق مفاهیمی چون «اقتصاد جنگ»^{۱۷} یا «اقتصاد نزاع» (conflict economy) پاسخ ساده‌ای می‌دهد: برخی افراد و گروه‌ها از تنش نفع می‌برند و به همین دلیل برای تداوم وضعیت ناصح انگیزه دارند. دو مفهوم تقریباً جدیدند، اما این موضوع که این دسته از افراد از جنگ و نزاع بهره می‌برند، مسئله‌ای بسیار قدیمی است. از دوران کهن اقتصاد جنگ برای دسته‌ای از افراد (شامل سیاستمداران، نظامیان، اشراف، و برخی از مردم عادی) حوزه‌ای سودآور بوده است. در دوران مدرن وجود منابع در مناطق مورد مناقشه سطح نزاع را افزایش داده است.^{۱۸} در نتیجه، منافع حاصل از اقتصاد جنگ می‌تواند امکان دستیابی به صلح را در این کشورها تضعیف و تحقق توسعه صلح محور را با دشواری مواجه کند.

گزارش توسعه جهانی بانک جهانی (World Bank 2011: 5) نشان می‌دهد که میانگین هزینه جنگ داخلی معادل سی سال رشد تولید ناخالص داخلی است. در گزارشی دیگر جنگ در سه کشور یمن، سوریه، و لیبی ۴۲-۸۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها پیش از شروع جنگ را کاهش داده است. کشمکش‌های سیاسی و خشونت در منطقه از سال ۲۰۱۰ به بعد ۱۷۵ میلیارد دلار معادل ۷ درصد تولید ناخالص داخلی کل منطقه را در طی ده سال گذشته از بین برده است که هزینه بازسازی این مناطق به حدود هشت صد میلیارد دلار می‌رسد (McKinsey Global Institute 2021: 91, 94). در این تنش‌ها و ویرانی‌ها، با وجود هزینه‌های ملت‌ها، منافع دسته‌ای از گروه‌ها نهفته است.

پژوهش‌ها (برای نمونه Elgin 2020) نشان می‌دهند که افزایش تنش‌ها و وجود حدی از درگیری‌های داخلی یا خارجی باعث شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی می‌شود. اقتصاد غیررسمی در تمام کشورها وجود دارد، اما ابعاد آن در کشورهای دارای رتبه‌های

پایین صلح بسیار وسیع‌تر است. بخش بزرگی از اقتصاد غیررسمی به اقتصاد زیرزمینی و قاچاق مربوط است. از انگیزه‌های گروه‌های جنگ‌طلب گسترش اقتصاد غیررسمی و نفع‌بری از آن است. بررسی اقتصاد سیاسی عراق در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که بخشی از تداوم وضعیت تحریم و جنگ در این کشور حاصل منافع گروه‌های مختلف داخل این کشور بوده است (Looney 2007). برآوردهای مختلفی از سهم اقتصاد زیرزمینی از اقتصاد ایران ارائه شده، اما در مجموع در بسیاری از پژوهش‌ها به اعدادی بالاتر از ۲۵ درصد اشاره شده است.^{۱۹} در نتیجه، یکی از محورهای اصلی توسعه صلح‌محور تمرکز بر این حوزه است.

۲۸ ایدئولوژی، تنش، و توسعه صلح‌محور

تحقق توسعه صلح‌محور چه قدر مدیون ایدئولوژی دولت‌هاست؟ احتمالاً به‌جز ایدئولوژی‌های مرگباری که به حقوق طبیعی انسان‌ها اعتقادی ندارند و ذاتاً نگاهی هم‌دلانه به جهان ندارند (مانند فاشیسم)، باقی ایدئولوژی‌ها استعداد رفتن به سمت توسعه و احتمالاً توسعه صلح‌محور را دارند. ایدئولوژی کالایی انسان‌ساخته است و مانند خود انسان‌ها نیروهای خیر و شر را باهم دارد. این خصلت ترکیبی ایدئولوژی (مشابه فرهنگ) باعث می‌شود تا در هر دوره و بر حسب شرایط و تجربیات و با تفاسیری جدید، عنصری از یک ایدئولوژی برجسته و باقی عناصر به‌حاشیه رانده شود، چیزهایی در منظر جامعه و نخبگانش قرار بگیرند و چیزهایی به‌حاشیه بروند. پشت این تفاسیرها و جابه‌جایی‌ها رنج‌ها و مرگ‌ها نهفته است. سؤال درست این‌که، آیا تفسیری توسعه‌گرا از ایدئولوژی‌ای ناتوسعه‌گرا به فرایند توسعه صلح‌محور کمک خواهد کرد؟ پاسخ احتمالاً آری است، اگر در تفسیر جدید از ایدئولوژی سابق حداقل یک محور زیر وجود داشته باشد:

۱. بر محور حقوق طبیعی و عام انسان‌ها تفسیر شود (صلح درونی)؛

۲. نگاه هم‌دلانه و هم‌کاری‌جویانه‌ای به جهان بیرون داشته باشد (صلح بیرونی).

مورد چین از مثال‌های مشهور در این مسئله است. در سطح کلان ایدئولوژی کمونیستی چین طی هفتادسال گذشته دو تفسیر را تجربه کرده است. در این کشور ایدئولوژی کمونیستی مائو با برجستگی عنصر لغو مالکیت خصوصی در داخل (نقض مورد ۱) و صدور انقلاب در خارج (نقض مورد ۲ در نگاه همکاری‌جویانه به جهان) به ایدئولوژی

کمونستی دنگ شیائوپینگ و تفاسیر جدیدش با هدف پذیرش مالکیت خصوصی (بخشی از مورد ۱) و برجستگی عنصر همکاری با جهان (مورد ۲) تغییر کرد. ایدئولوژی همان ایدئولوژی کمونسم چینی بود با تفسیری جدید و جابه‌جایی برخی عناصر.^{۲۰} تجربه ویرانی عصر مائو افق‌ها را تغییر داد، عنصری را برجسته کرد و باقی عناصر را به حاشیه راند. بخشی از توسعه اقتصادی کشورها محصول همین تفاسیر جدید (افق‌های جدید) و جابه‌جاشدن‌ها (یا جابه‌جا کردن‌ها) است. در واقع، هنر نخبگان چین ارائه تفسیری از ایدئولوژی حاکم بود که تضمین‌کننده حدی از همکاری و صلح در داخل و خارج باشد.^{۲۱} در نتیجه، تمرکز بر این حوزه نیز از محورهای اصلی توسعه صلح‌محور است.

۳۸ نهادها، تنش، و توسعه صلح‌محور

بدیهی است که وجود نهادهای معتبر در جامعه مانع ظهور نزاع‌های مخرب می‌شود. این قبیل نهادها به شکل‌گیری پیوندها میان افراد جامعه کمک و زمینه‌ای برای ایجاد هویتی مشترک فراهم می‌کنند. در داخل کشورها برخی نهادهای قانونی و مهم‌ترین آن‌ها نهادهای قضایی ابزاری مهم برای مدیریت منازعه‌ها و حل و فصل اختلافات‌اند. تازمانی که اعضای جامعه این نهادها را مشروع بدانند، احتمالاً بخش بزرگی از دعاوی به شکل مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌شوند. اگر از نظر بخش‌های وسیعی از مردم چنین نهادهایی با بحران مشروعیت و اعتبار مواجه باشند، اختلافات احتمالاً شکل ستیزه‌جویانه‌ای به خود خواهند گرفت (کریسبرگ و دایتون ۱۳۹۷: ۶۲-۶۳).

شاخص‌های زیادی برای سنجش وضعیت نظام قضایی در کشورها وجود ندارد. با این حال، می‌توان از طریق شاخص‌های غیرمستقیم وضعیت نظام قضایی کشورها را باهم مقایسه کرد. به دلیل نقش تعیین‌کننده نظام قضایی در تضمین حاکمیت قانون (وجود قوانین منصفانه‌ای که به شکلی برای همه برابر اجرا می‌شوند)، شاخص وضعیت حاکمیت قانون از بهترین سنجه‌ها برای سنجش عملکرد نظام قضایی محسوب می‌شود.^{۲۲} اگر آخرین رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون (۲۰۲۱) را با آخرین رتبه‌بندی شاخص صلح (۲۰۲۱) تطبیق دهیم، این نتایج به دست می‌آیند:

- ۷۰ درصد (چهارده کشور) از بیست کشور دارای بهترین وضعیت حاکمیت قانون بالاترین وضعیت صلح را دارند.

- مقایسه کشورهای انتهای هر دو لیست کمی دشوارتر است؛ زیرا رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون ۱۳۹ کشور و رتبه‌بندی شاخص صلح ۱۶۳ را موردسنجش قرار داده‌اند. با این حال، اگر به اسامی بیست کشور انتهای رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون نگاه کنید، ۷۰ درصد آن‌ها در فهرست کشورهای با صلح کم یا خیلی کم قرار دارند (یعنی رتبه‌های ۱۲۴ به بعد).

- در حالی که ایران در رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون رتبه صد را کسب کرده (در دسته کشورها با نمره پایین)، رتبه کشور در شاخص صلح ۱۴۱ است که جزو رده کشورهای با درجه صلح پایین محسوب می‌شود.

نتیجه این که یک قوه قضاییه بی طرف و کارآمد نقشی مهم در توسعه صلح‌محور خواهد داشت. از طرف دیگر، صلح و توسعه از برقراری و پایداری نهادهای رسمی ای منتفع خواهد شد که بتوانند، ضمن تضمین چرخش صلح‌آمیز نخبگان در سطح رهبری کشور، آرزوها و امیال رهبران خودمحور را مهار کنند. اهمیت این مسئله در توسعه اقتصادی را نورث و همکارانش به خوبی تبیین کرده‌اند.^{۳۳} در کشورهای در حال توسعه فرصت‌های سیاسی و اقتصادی به شدت به هم گره خورده‌اند، به طوری که منافع افراد قدرت‌مند در سطح محلی و ملی را نهادهای سیاسی و قضایی تضمین می‌کنند. در واقع، خواست حفظ نظم نهادی تلاشی برای برقراری چنین بهره‌مندی‌هایی است. این نکته مهمی است که در گزارش بانک جهانی (۲۰۱۱) نیز بر آن تأکید شده است.

علاوه بر نظام قضایی و نهادهای چرخش قدرت، نهادهای مدنی سومین عامل مهم در مسیر توسعه صلح‌محورند. بخشی از نهادسازی برای توسعه صلح‌محور نه در حوزه‌های بازار و دولت بلکه درون جامعه مدنی اتفاق می‌افتد. در کشور ما تصور نادرستی وجود دارد مبنی بر این که برای حرکت اقتصاد به سمت تورم پایین اشتغال بالا و توسعه اقتصادی لازم است تا ضمن کنترل جامعه مدنی نظام برنامه‌ریزی متمرکز دولتی در کشور برچیده، بنگاه‌های دولتی خصوصی، و از اقتصاد کشور مقررات زدایی شود. در حالی که جامعه مدنی می‌تواند عملکرد بازار را بهبود دهد. برای مثال، جامعه مدنی می‌تواند به تقویت پیوندهایی کمک کند که برای عملکرد مناسب بازار ضروری‌اند، مانند کمک جامعه مدنی به نظام اشتغال در ژاپن یا کمک جامعه مدنی به اجتماعات شرکت‌های کوچک مقیاس در ایتالیا یا مرکزی یا شبکه انبوهی از روابط که شرکت‌های بخش مالی بریتانیا (بخش «سیتی» لندن) را به یک‌دیگر متصل و آن‌ها را به چیزی فراتر از شمار کثیری از شرکت‌های رقیب تبدیل

می‌کند. این‌ها نمونه‌هایی از بحثی است که دو دهه پیش آمارتیا سن مطرح کرده بود: شواهد تجربی قویاً حکایت از آن دارند که رشد اقتصادی بیش‌تر و عملکرد بهتر اقتصاد محصول محیط اقتصادی دوستانه‌تر و مشارکتی‌تر است تا یک نظام سیاسی خشن‌تر» (سن ۱۳۸۱: ۳۲). برقراری محیط مشارکتی به معنای مشارکت علنی و شفاف همه ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری هاست.^{۲۴}

از طرف دیگر، در کشورهای توسعه‌یافته اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها از ابزارهای کاهش منازعه نیروهای کار و کارفرمایند. با وجود این، تفاوت‌های چشم‌گیری میان کشورها وجود دارد. مثلاً اتحادیه‌های کارگری در آمریکا و بریتانیا تلاش می‌کنند تا تمام کسانی را که مهارت‌های شغلی مشابهی را در بازار کار عرضه می‌کنند گرد هم آورند، با این امید که بتوانند نرخ جاری در بازار را برای این مهارت‌ها حفظ کنند (Lichtenstein 2012: 182). متفاوت با آن‌ها، در ژاپن اتحادیه‌های شکل‌گرفته حول مؤسسات سعی می‌کنند تا همه کسانی را گرد هم آورند که آینده‌شان را وقف خدمت به یک شرکت مشخص کرده‌اند. این نوع اخیر از اتحادیه‌ها اولاً با کنترل رفتار نادرست نیروی کار و ثانیاً کنترل رفتار نادرست با نیروی کار و فشار بر شرکت برای سرمایه‌گذاری در آموزش آن‌ها موجب بهبود عملکرد شرکت می‌شوند (Hun Yi et al. 2021: 8). یا در نمونه‌ای دیگر، اتحادیه‌های کارگری در آلمان تلاش می‌کنند تا ضمن افزایش دست‌مزدها و مصالحه میان کارگران و کارفرمایان بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهند. تلاش آن‌ها برای افزایش بهره‌وری نیروی کار بعضاً باعث سخت‌گیری‌های زیاد در فرایند استخدام و تمدید قرارداد کارگران (تمدید به شرط بهبود عملکرد) می‌شود. این رویه «ور.دی» (Ver.di- Vereinte Dienstleistungsgewerkschaft) دومین اتحادیه بزرگ کارگری در بخش صنایع خدمات در آلمان با دو میلیون عضو بوده است (Brinkmann and Nachtwey 2013: 35-36). یا در نمونه‌ای دیگر، اتحادیه‌های کارگری سوئد افزایش دست‌مزدها و پرداخت‌های انتقالی و یک‌پارچگی دست‌مزدی میان بخش عمومی و خصوصی را صرفاً به‌منزله هدفی در خود در نظر نمی‌گیرند، بلکه آن را ابزاری برای ارتقای رشد تولید و بازسازی اقتصادی از طریق تحت‌فشار گذاشتن حاشیه سود در شرکت‌های ناکارآمد می‌بینند (پتوسن ۱۳۹۸: ۱۴۵). همین فشار به حاشیه سود شرکت‌های ناکارآمد باعث انحلال برخی از این شرکت‌ها و افزایش انگیزه برای نوآوری و استفاده از راه‌کارهای دیگر برای افزایش بهره‌وری است. نتیجه این‌که اصلاح نهادی در سه حوزه سومین محور توسعه صلح‌محور است.

۹. نتیجه‌گیری

با وجود دستاوردهای مسیر گذشته، توسعه اقتصادی ایران طی دهه‌های گذشته با تنش‌های داخلی و خارجی متعددی مواجه بوده و همین تنش‌ها باعث تخریب ظرفیت‌های اقتصادی کشور و افتادن اقتصاد کشور در دام‌های متعدد به‌خصوص دام درآمد متوسط شده است. توسعه صلح‌محور نوعی نوآوری در مواجهه با چالش‌های مسیر گذشته توسعه اقتصادی ایران است. شومپتر بین اختراعاتها (inventions) یعنی ایده‌ها یا مفاهیمی که به دلیل عدم استفاده فاقد ارزش اقتصادی‌اند و نوآوری‌ها (innovations) که ایده‌های مورد استفاده و در نتیجه دارای ارزش اقتصادی‌اند تمایز قائل شده است (Sener et al. 2017: 204). برای دستیابی به توسعه صلح‌محور باید ایده‌های صلح را در متن تلاش‌های توسعه‌ای قرار داد و از ترکیب این ایده‌ها مسیرهای جدیدی از توسعه را پیدا و اجرا کرد. این نوشتار تلاش کرد تا نشان دهد نه فقط صلح عواید اقتصادی فراوانی دارد، بلکه به دلیل چالش‌های درهم‌تنیده و پیچیده‌ای که ایران امروز در آن گرفتار شده، صلح‌سازی مسیری مهم برای خروج از وضعیت کنونی و حرکت در مدارهای جدید توسعه است. در واقع، صلح مهم‌ترین کالای عمومی است که دولت برای تداوم توسعه کشور و بقای آینده ایران باید تولید کند.

تحلیل اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور به ما امکان می‌دهد تا دریابیم که صاحبان قدرت در انتخاب توسعه توأم با تنش یا هم‌راه با صلح چه منفعی دارند، تفسیر ایدئولوژی چه نقشی در توسعه کشورها دارد و چه‌طور می‌توان با اصلاح نهادی به مدارهای بالاتر توسعه حرکت کرد. توسعه صلح‌محور مسیری را مشخص می‌کند که در آن کشورها می‌توانند با صلح‌سازی اقتصاد را به مدار بالاتری از توسعه حرکت دهند یا از طریق تخریب صلح توسعه را به مخاطره بیندازند. این که در سه‌گانه اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور دقیقاً باید چه اقدامات عملی انجام داد و در مواجهه با چالش‌های اجرایی چه باید کرد، پرسش‌هایی است که پاسخ به آن‌ها را باید در پژوهش‌های مستقلى جست‌وجو کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. توسعه فرایندی در جهت بهبود قابلیت‌های انسان‌هاست. رویکرد قابلیت‌یابی به توسعه محصول پژوهش‌های آمارتیا سن است (بنگرید به سن ۱۳۸۱).
۲. برای مطالعه دو نسل اول اقتصاددانان توسعه، بنگرید به مایر ۱۳۸۴.

۳. برای مطالعه بیش تر در مورد دیدگاه بوردیو، بنگرید به عطار ۱۳۹۱: ۴۰-۵۵.
۴. مقاله معروف «چرا جنگ؟» از زیگموند فروید یکی از مقالات کلاسیک این رویکرد است. فروید در این مقاله که در اصل نامه او به آلبرت انیشتین است، منازعه و جنگ را حاصل غریزه ویرانگری در نهاد انسان می داند (بنگرید به فروید ۱۳۷۷).
۵. Léon Walras نظریه تعادل عمومی والراس نظریه‌ای در اقتصاد نئوکلاسیک است که عرضه، تقاضا، و قیمت در کل اقتصاد را با در نظر گرفتن ارتباط میان بازارهای مختلف تحلیل می کند (بنگرید به شومپتر ۱۳۹۵).
۶. peace dividends شعار سیاسی که مارگارت تاچر و جرج بوش پدر در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ مطرح کردند. به نظر آن‌ها با کاهش هزینه‌های نظامی مزایای زیادی برای کل اقتصاد به دست می آید. گلیدیچ و همکارانش صورت‌بندی تحلیلی خوبی برای مفهوم سود صلح فراهم کرده و منافع «سود صلح» در فضای پس از جنگ سرد را نشان داده‌اند (see Gleditsch et al. 1996).
۷. بر همین مبنا، گروه هشدار بین‌المللی بر مفهوم «فعالیت‌های تجاری کشمکش‌زا» (conflict-sensitive business practice) تأکید دارد که براساس آن کسب‌وکارهایی که در کشورهای شکننده فعالیت می‌کنند، در صورت تدارک احتیاط‌های لازم در مورد عدم تشدید تنش‌های محلی (از طریق توزیع منصفانه مشاغل، توزیع ثروت، و ...) می‌توانند به جلوگیری از خشونت کمک زیادی کنند. در نظر نگرفتن چنین احتیاط‌هایی می‌تواند تجارت را به منبع کشمکش و نزاع تبدیل کند (بنگرید به International Alert 2005).
۸. برخی مطالعات در مورد تأثیر افزایش بودجه نظامی کشورها در رشد اقتصادی آن‌ها نشان می‌دهد که برخلاف کشورهای در حال توسعه که افزایش بودجه‌های نظامی باعث تضعیف رشد بلندمدت اقتصادی آن‌ها می‌شود، با افزایش بودجه‌های نظامی و امنیتی در کشورهای توسعه یافته، امنیت، حقوق مالیکت، و اجرای بهتر قوانین و مقررات در این دسته از کشورها افزایش پیدا کرده و همین در رشد بلندمدت آن‌ها تأثیری مثبت داشته است. احتمالاً دلیل معکوس بودن این رابطه در کشورهای در حال توسعه گره خوردن فساد با افزایش بودجه‌های نظامی است. دان و تیان (Dunne and Tian 2016) نشان داده‌اند که اگر برخی دیگر از متغیرهای مهم مانند کمک‌های خارجی را هم در تحلیل در نظر بگیریم، تأثیر منفی بودجه‌های نظامی و امنیتی افزایش بسیار بیش تری را نشان می‌دهد. با این حال، مطالعات در این مورد بعضاً نتایج متفاوتی داشته‌اند (برای مطالعه یک نمونه که فارغ از نوع کشورها افزایش این قبیل بودجه‌ها را در رشد بی تأثیر می‌دانند، بنگرید به Smith 2000).
۹. استیو کیلی به خصوص در آخرین کتاب خود با عنوان صلح در عصر هرج و مرج (۲۰۲۰)، ضمن توصیف ماهیت صلح در قرن ۲۱ و ارتباط آن با تفکر سیستمی از یک طرف و ارزش‌های

اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور ... (سعید عطار) ۳۰۷

اقتصادی صلح از طرف دیگر شاخص‌های ملی و جهانی صلح را مورد بررسی قرار داده و توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان تاب‌آوری جوامع را از طریق صلح‌سازی افزایش داد (بنگرید به Killelea 2020).

۱۰. برای مطالعه یک گزارش از چنین مشکلاتی، بنگرید به فاضلی ۱۴۰۰.
۱۱. برای مطالعه بیش‌تر در این مورد، بنگرید به Sener and Schepers 2017.
۱۲. با این‌که در سال ۲۰۱۲ وضعیت ۱۵۸ کشور، در سال ۲۰۱۳ وضعیت ۱۶۲ کشور، در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ وضعیت ۱۶۲ کشور بررسی شده، از سال ۲۰۱۶ به بعد این بررسی شامل ۱۶۳ کشور شده است.
۱۳. حسین عظیمی بر این نظر بود که از اواخر دهه ۱۳۷۰ مسیر توسعه کشور کارآیی خود را از دست داده است و به اصلاحات اساسی و بنیادی نیاز دارد (بنگرید به عظیمی ۱۳۸۳).
۱۴. گزارش‌های اقتصاد ایران در دو دهه اخیر شاهی برای این موضوع است (بنگرید به خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۸۰-۱۳۹۹). برای مطالعه یک گزارش خوب در وضعیت اقتصاد کشور در این دوره، بنگرید به زمان‌زاده ۱۳۹۱. برای مطالعه یک گزارش در مورد وضعیت حوزه محیط‌زیست کشور در این دوره، بنگرید به ذکایی ۱۳۹۴. برای مطالعه در مورد وضعیت حوزه اجتماعی کشور در دو دهه اخیر، بنگرید به گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۸) ۱۳۹۰ و موسوی ۱۳۹۷.
۱۵. برای نمونه، طبق محاسبات عباس آخوندی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ فقط دوزدن تحریم‌ها چهارصد میلیارد دلار هزینه داشته است (بنگرید به ایرنا ۱۴۰۰).
۱۶. به نظر برخی، در عصر جدید رسانه‌ها هم نقش مهمی در تقویت این فرهنگ دارند (see Karatzogianni 2012).
۱۷. War Economy: فیلیپ بیلون جامع‌ترین تحلیل‌ها را در این مورد ارائه کرده است. به نظر او اقتصاد جنگ نظامی از تولید، نقل و انتقال، و تخصیص منابع با هدف حفظ سطح معینی از خشونت است. برای مطالعه بیش‌تر، بنگرید به بیلون 2000.
۱۸. در این مورد، بنگرید به بیلون 2014.
۱۹. برای نمونه، در یک برآورد (علیزاده و غفاری ۱۳۹۲) ۲۷ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور به اقتصاد زیرزمینی مربوط است. برای مطالعه تحلیلی در مورد پیوستگی سیاست و اقتصاد در تحلیل اقتصاد غیررسمی، بنگرید به عطار ۱۴۰۰.
۲۰. برخی از تحلیل‌گران دلیل امکان ارائه تفاسیر جدید از ایدئولوژی رسمی پس از مرگ مائو را وجود فرصت‌های سیاسی برای ارائه تفاسیر جدید و تغییر توازن قوا می‌دانند (see Ostendorf 2011).

۲۱. برخی مطالعات سابقه تلاش برای تفسیر ایدئولوژی در خدمت صلح و توسعه را به دوران سلسله هان (۲۰۶ ق.م- ۲۲۰ م) بازمی‌گردانند (see Shi 2020).
۲۲. علاوه بر این، حاکمیت قانون نقشی مهم در توسعه اقتصادی دارد (see Trebilcock and Daniels 2008). در اندونزی نیز طی یک دهه گذشته و هم‌زمان با تغییر در تفسیر ایدئولوژی پانچاسیلا، نظام قضایی در جهت تضمین بهتر حاکمیت قانون اصلاح شد (see Neudorf 2017).
۲۳. بنگرید به نورث و دیگران ۱۳۹۴؛ نورث و دیگران ۱۳۹۵.
۲۴. از تجربیات کشورهای اروپای شرقی در دوران پساکمونیستی این است که حتی در صورتی که نظام سیاسی توسعه اقتصادی از طریق صلح‌سازی را در اولویت خود قرار دهد، اما مشارکت ذی‌نفعان غیرشفاف و پشت درهای بسته انجام شود، نه جامعه می‌تواند حرکت جدیدی برای سرمایه‌گذاری آغاز کند و نه از نااطمینانی سرمایه‌گذاران کاسته می‌شود (International Alert 2015: 22).

کتاب‌نامه

- اسدی دربندی، طناز (۱۳۹۷)، «تأثیر صلح و امنیت بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها در شرایط ناشی از جهانی شدن (با تأکید بر رویکرد نوین صلح و توسعه اقتصادی)»، *آفاق علوم انسانی*، س ۲، ش ۱۳.
- اسماعیل‌نیا، علی‌اصغر و شهرام وصفی اسفستانی (۱۳۹۵)، «تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، س ۱۶، پیاپی ۶۱.
- اصغری‌پور، حسین و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی در ایران (ره‌یافت غیرخطی APARCH)»، *فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، س ۲۱، پیاپی ۳۸.
- بانک مرکزی، حساب‌های ملی سالانه (۱۳۸۳-۱۳۹۸)، در دسترس (فروردین ۱۴۰۱): <https://www.cbi.ir/simplelist/2054.aspx>.
- بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور (۱۳۸۰-۱۳۹۹)، در دسترس (دی‌ماه ۱۴۰۰): https://www.cbi.ir/SimpleList/AnnualReview_fa.aspx.
- پتوسن، یوناس (۱۳۹۸)، «سرمایه‌داری سوئدی در گذار: بین نئولیبرالیسم و الگوی آلمانی»، *اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری مدرن: ترسیم هم‌گرایی و افتراق‌ها*، ویراسته ولفگانگ اشتریک و کالین کراوچ، ترجمه امیرحسین سادات، تهران: شیرازه.
- پینکر، استیون (۱۴۰۰)، *فرشتگان بهتر ذات ما: چرا خشونت کاهش یافته است؟*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: تمدن علمی.

اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور ... (سعید عطار) ۳۰۹

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۶)، «بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه مدینه المسالمة (شهر صلح) فارابی و نظریه صلح پایدار کانت»، *جستارهای سیاسی معاصر*، س ۸، پیاپی ۲۵.
ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی) (۱۴۰۰)، «هزینه تحریم و دورزدن آن چه قدر است؟»، در دست‌رس آبان ۱۴۰۰:

<<https://www.irna.ir/news/84321534>>

ذکایی، محمد (۱۳۹۴)، *گزارش وضعیت محیط‌زیست ایران ۱۳۸۳-۱۳۹۲*، تهران: حفاظت محیط‌زیست.

رستمی، سارا و زری فیروزکاه (۱۳۹۹)، «زنان و صلح جهانی با تأکید بر صلح‌بانان زن سازمان ملل متحد و جامعه زنان ایرانی»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، س ۳، ش ۹.
زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۱)، «پنج دهه فراز و فرود تولید: بررسی علل رشد پایین و بی‌ثبات اقتصاد ایران»، فصل‌نامه *تازه‌های اقتصاد*، پیاپی ۱۳۶.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، *توسعه به‌مثابه آزادی*، ترجمه حسین راغفر، تهران: کویر.
شومپیتز، جوزف آلوئیس (۱۳۹۵)، *اندیشه‌های اقتصادی والراس، منگر و مارشال*، ترجمه حسین فلاحی، تهران: آماره.

طاهریان، میلاد و اسماعیل هادی تبار (۱۳۹۸)، «گذار از جرم‌شناسی صلح‌ساز به سیاست جنایی صلح‌مدار»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، س ۱۶، پیاپی ۱۸.
عطار، سعید (۱۳۹۱)، *بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی؛ بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران*، یزد: دانشگاه یزد.

عطار، سعید (۱۴۰۰)، «اقتصاد سیاسی در سطح: نقدی بر کتاب اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی»، پژوهش‌نامه *انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۲۱، ش ۴.
عظیمی، حسین (۱۳۸۳)، *ایران امروز در آینه مباحث توسعه؛ برای حل بحران‌های کوتاه و بلندمدت اقتصادی کشور، چه می‌توان کرد؟*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

علیزاده، هانیه و فرهاد غفاری (۱۳۹۲)، «برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن»، فصل‌نامه *اقتصاد مالی*، س ۲۵، پیاپی ۷.
فاضلی، محمد (۱۴۰۰)، *ایران بر لبه تیغ*، تهران: روزنه.

فروید، زیگموند (۱۳۷۷)، «چرا جنگ؟»، *خرد در سیاست*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
کریسبرگ، لوئیس و بروس دبیون دایتون (۱۳۹۷)، *از خشونت تا دموکراسی؛ مقدمه‌ای بر حل و فصل منازعات*، ترجمه عسگر قهرمان‌پور بناب، تهران: جوینده.

کریمی، مهدی (۱۴۰۰)، «تبیین الگوی استقرار صلح در اروپای پس از جنگ جهانی دوم»، فصل‌نامه پژوهش‌های *روابط بین‌الملل*، س ۱۱، پیاپی ۴۰.

- گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۱) (۱۳۹۰)، تهران: مؤسسه رحمان.
- نورث، داگلاس سی و دیگران (۱۳۹۴)، سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه: در سایه خشونت، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور، تهران: روزنه.
- نورث، داگلاس سی و دیگران (۱۳۹۵)، خشونت و نظم‌های اجتماعی: چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت‌شده بشر، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، تهران: روزنه.
- مایر، جرالدم. (۱۳۸۴)، «نسل قدیم اقتصاددانان توسعه و نسل جدید»، پیش‌گامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز، گردآوری جرالدم. مایر و جوزف استیگلیتز، تهران: نشر نی.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۹۷ الف)، آسیب‌های اجتماعی و نابرابری؛ دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران: ۱۳۸۸-۱۳۹۶، ج ۲، تهران: آگاه.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۹۷ ب)، هم‌بستگی اجتماعی و نابرابری؛ دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران: ۱۳۸۸-۱۳۹۶، ج ۱، تهران: آگاه.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۸)، «نسبت صلح با علم اقتصاد (در مقیاس‌های کشوری و جهانی)»، در: مجموعه مقالات سومین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران «علوم انسانی و اجتماعی و صلح»، تهران.

- Alonso, José Antonio and José Antonio Ocampo (eds.) (2020), *Trapped in the Middle? Developmental Challenges for Middle-Income Countries*, Oxford: Oxford University Press.
- Billon, Philippe Le (2000), *The Political Economy of War: An Annotated Bibliography*, London: Overseas Development Institute.
- Billon, Philippe Le (2014), *Wars of Plunder: Conflicts, Profits and the Politics of Resources*, Oxford: Oxford University Press.
- Blomberg, Brock and Gregory D. Hess (2002), "The Temporal Links between Conflict and Economic Activity", *Journal of Conflict Resolution*, vol. 46, no. 1.
- Brinkmann, Ulrich and Oliver Nachtwey (2013), "Industrial Relations, Trade Unions and Social Conflict in German Capitalism", *La Nouvelle Revue du Travail*, vol. 22, no. 3.
- Coppolaro, L. and F. McKenzie (2013), *A Global History of Trade and Conflict Since 1500*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Darvy, John (1995), *Coming Out of Violence: Peace Dividends*, Northern Ireland: University of Ulster.
- Devine, Patricia G. et al. (1994), *Social Cognition: Impact on Social Psychology*, San Diego: Academic Press.
- Dunne, John Paul and Nan Tian (2016), "Military Expenditure and Economic Growth, 1960-2014", *The Economics of Peace and Security Journal*, vol. 11, no. 2.
- Elgin, Ceyhun (2020), *The Informal Economy: Measures, Causes, and Consequences*, New York: Routledge.

- Farzanegan, Mohammad Reza (2017), "Can We Predict Political Uprisings?", in: *The Conversation*, Accessed 8 February 2022, Available at:
<<https://theconversation.com/can-we-predict-political-uprisings-71925>>.
- Farzanegan, Mohammad Reza (2020), "The Economic Cost of the Islamic Revolution and War for Iran: Synthetic Counterfactual Evidence", *Defence and Peace Economics*, vol. 31.
- Gangopadhyay, Partha and Nasser Elkanj (2016), *Analytical Peace Economics: The Illusion of War for Peace*, London and New York: Routledge.
- Gill, Indermit S. and Homi Kharas (2015), "The Middle-Income Trap Turns Ten", Policy Research Working Paper 7403, World Bank, Accessed 1 February 2022, Available at:
<<https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/22660/The0middle0inco me0trap0turns0ten.pdf?sequence=1&isAllowed=y>>.
- Gleditsch, Nils Petter et al. (eds.) (1996), *The Peace Dividend*, Amsterdam: Elsevier.
- Hun Yi, Pyong. et al. (2021), *Trade Unions and Labour Movements in the Asia-Pacific Region*, New York: Routledge.
- Institute for Economics & Peace (2018), "The Economic Value of Peace 2018: Measuring the Global Economic Impact of Violence and Conflict." *Institute for Economics & Peace*. Sydney, Accessed 9 September 2021, Available at:
<<http://visionofhumanity.org/reports>>.
- International Alert (2005), "Conflict-Sensitive Business Practice: Guidance for Extractive Industries", *International Alert*, London: International Alert, Accessed 16 July 2021, Available at:
<<https://www.international-alert.org/publications/conflict-sensitive-business-practice-guidance-extractive-industries-en>>.
- International Alert (2015), "Peace Through Prosperity: Integrating Peacebuilding into Economic Development", *International Alert*, London: International Alert, Accessed 16 July 2021, Available at:
<https://www.international-alert.org/sites/default/files/Economy_PeaceThroughProsperity_EN_2015.pdf>.
- Junne, Gerd and Willemijn Verkoren (eds.) (2004), *Postconflict Development: Meeting New Challenges*, Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Karatzogianni, Athina (ed.) (2012), *Violence and War in Culture and the Media: Five Disciplinary Lenses*, New York: Routledge.
- Keynes, John Maynard (1919), *The Economic Consequences of Peace*, London: Macmillan & Co., Limited.
- Keynes, John Maynard (1930), "Economic Possibilities for Our Grandchildren", in: *Essays in Persuasion*, New York: Harcourt Brace.
- Killelea, Steve (2020), *Peace in the Age of Chaos: The Best Solution for a Sustainable Future*, New South Wales: One Tree Films.

- Koubi, Vally (2005), "War and Economic Performance", *Journal of Peace Research*, vol. 42, no. 1.
- Lichtenstein, Nelson (2012). *State of the Union: A Century of American Labor*. New Jersey: Princeton University Press.
- Looney, Robert E. (2007), *Iraq's Informal Economy: Reflections of War, Sanctions and Policy Failure*, Abu Dhabi: Emirates Center for Strategic Studies and Research.
- McKinsey Global Institute (2021), "Opportunity Youth: Imagining a Bright Future for the Next Generation", *McKinsey Global Institute*, Accessed 21 June 2021, Available at: <<https://www.mckinsey.com/middle-east/our-insights/opportunity-youth?cid=other-eml-alt-mip-mck&hdpid=23c6ff6f7-0573-429f-a934-339fe449e01e&hctky=12146887&hlkid=79c3807c61e4441991fab27cb51965ae>>.
- Neudorf, Lorne (2017), *The Dynamics of Judicial Independence: A Comparative Study of Courts in Malaysia and Pakistan*, New York: Springer International Publishing.
- North, Douglass C. (2005), "The Contribution of the New Institutional Economics to an Understanding of the Transition Problem", in: *Wider Perspectives on Global Development, Studies in Development Economics and Policy*, London: Palgrave Macmillan.
- Ostendorf, Julian (2011), *Continuities between Mao Zedong's China and Deng Xiaoping's China*, Hamburg: GRIN Verlag.
- Sener, Sefer and Stefan Schepers (eds.) (2017), *Innovation, Governance and Entrepreneurship: How Do They Evolve in Middle Income Countries? New Concepts, Trends and Challenges*, New York: Springer International Publishing.
- Sener, Sefer et al. (2017), "Invention and Innovation in Economic Change", *Journal of Economics Finance and Accounting (JEFA)*, vol. 4, no. 2.
- Shi, Jie (2020), *Modeling Peace: Royal Tombs and Political Ideology in Early China*, New York: Columbia University Press.
- Smith, Ron P. (2000), "Defence Expenditure and Economic Growth", in: *Making Peace Pay: A Bibliography on Disarmament and Conversion*, N. P. Gleditsch et al. (eds.), Claremont, CA: Regina Books.
- Trebilcock, M. J. and Ronald J. Daniels (2008), *Rule of Law Reform and Development: Charting the Fragile Path of Progress*, London: Edward Elgar Publishing.
- Trondalen, Jon Martin (2011), "Conflict Prevention and Peace Dividends Through Cooperation on Transboundary Water Management in SADC: Achieving Peace Dividends Through the Prevention of Water Conflicts", *SADC Secretariat*.
- Vasquez, John A. (1993), *The War Puzzle*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Vernon, Phil (2016), "Bread and Peace: Linking Economic Development with Peacebuilding", *GREAT Insights Magazine*, vol. 5, no. 1.
- World Bank (2011), *The World Development Report 2011: Conflict, Security, and Development*, Washington, D. C.: World Bank.

اقتصاد سياسي توسعة صلح محور ... (سعيد عطار) ٣١٣

World Bank (2020), "Fragility, and Conflict: On the Front Lines of the Fight against Poverty", World Bank, Accessed 22 April 2022, Available at:

<<https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/9781464815409.pdf>>.

World Bank (2021), "Fragility, Conflict and Violence", World Bank, Accessed 11 June 2021, Available at:

<<https://www.worldbank.org/en/topic/fragilityconflictviolence/overview>>.

World Bank (2021), "The World Bank in Indonesia", Accessed 5 June 2021, Available at:

<<https://www.worldbank.org/en/country/indonesia/overview#1>>.

<<https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.NE.ZS?locations=ID>>.

